

## بررسی نظریه، روش و کاربرد تحلیل گفتمان

محمد حسین ابتکاری<sup>۱</sup>، کوروش عیسایی خوش<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

نام نویسنده مسئول:

محمد حسین ابتکاری

### چکیده

تحلیل گفتمان مربوط به رابطه‌ی زبان و زمینه‌ای که زبان در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد به صورت یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است؛ که به طور جدی از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در رشته‌هایی چون، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. ده سالی است که گفتمان واژه‌ی مد روز شده است و آن را بی هدف و غالباً بی آن که تعریف کنند در متن‌ها و بحث‌های علمی بکار می‌گیرند. این درحالی است که برخی اندیشمندان، نداشتن شناخت کافی در تمیز شیوه‌های مختلف تحلیل گفتمان و عدم اطمینان به اعتبار و روایی این نوع تحلیل‌ها نسبت به تحقیقات کمی را از آسیب‌های جدی این روش می‌دانند. در این راستا هدف تحقیق حاضر بررسی زوایا و ابعاد مختلف و کاربردهای مهم تحلیل گفتمان، آشکارسازی مفاهیم و همچنین بررسی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و شناخت راه‌های اعتبار و پایایی آن است. همچنین، در این تحقیق سیر تحول، مفروضات و نظریات مهم نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** تحلیل گفتمان، گفتمان، فرکلاف، لاکلا و موفه

**مقدمه**

باید پذیرفت که نقش زبان در دنیای مدرن رو به افزایش است و در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی زیاد بدان پرداخته می‌شود. تحلیل گفتمان نیز از رهگذر همین توجه به نقش زبان در عرصه‌ی اجتماعی پدیدار شده‌اند. این توجه از آن‌رو افزون‌تر خواهد شد که دنیای امروز روی به سوی نمادین شدن هر چه بیشتر دارد و عمده‌ترین این نمادها زبان است [۱]. بنابراین زبان به عنوان باز نمود نظامی از مفاهیم و اندیشه‌هاست که از جامعه، گفتمان و ایدئولوژی حاکم شکل می‌گیرد و در قالب زبان گفتار و نوشتار به عنوان ابزار ارتباطی تجلی می‌یابد، از این رو همواره موضوعی شایسته برای مطالعه و تحقیق است [۲]. اصطلاح "گفتمان" در زبان، روز به روز به جای بحث یا گفتگو استفاده می‌شود. این در حالی است که بحث یا گفتگو هدف تجزیه و تحلیل گفتمان است [۳]. ده سالی است که گفتمان واژه‌ی مد روز شده است. آن را بی هدف و غالباً بی آن که تعریف کنند در متن‌ها و بحث‌های علمی بکار می‌گیرند. اکنون گفتمان به واژه‌ای مبهم و گاه بی‌معنا بدل شده است که حتی زمانی که آن را با دقت بکار می‌برند در هر بستری معنایی متفاوت دارد. اما در بسیاری از موارد منظور از گفتمان این است که زبان در چارچوب قالب‌هایی ساختاربندهی شده و مردم به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند [۴].

گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌توانند گفته شوند یا درباره‌ی‌شان فکر شود، بلکه درباره‌ی این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی، و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم‌کننده‌ی معنا و ارتباطات اجتماعی است. گفتمان‌ها اعمالی هستند که به طور نظام‌مند موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، آن‌ها سازنده‌ی موضوعات بوده و در فرآیند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌دارند [۵]. مسأله‌ی مهم در پرداختن به تحلیل گفتمان را می‌توان این‌گونه بیان کرد که دو آسیب جدی همواره محققان را در کاربرد تحلیل گفتمان تهدید می‌کند: نخستین آسیب جدی، نداشتن شناخت کافی در تمیز شیوه‌های سه‌گانه‌ی تحلیل گفتمان از یک سو و به کار بردن تحلیل محتوا به جای تحلیل گفتمان از سوی دیگر است. آسیب‌شناسی تحلیل گفتمان در ایران حکایت از آن دارد که علت این امر عدم شناخت تحلیل گفتمان از سوی نظریه‌پردازان و محققان بوده است و از سوی دیگر نیز برخی سنت‌های ناپسند در محافل سبب‌ساز آسیب‌های روش‌شناسی در کار محققان می‌شود. به طوری که گرایش محققان به استفاده از محاسبات آماری و جداول بکار رفته در تحقیق، زمینه‌ای را بوجود آورده است تا محققان تصور کنند روش‌هایی چون تحلیل گفتمان که آمار و ارقام روش‌های کمی را ندارد، فاقد اعتبار و روایی‌اند. این در حالی است که پژوهش‌های تحلیل گفتمان به دلیل جزئیات مفصل نسخه‌برداری از مکث‌ها، همپوشانی‌ها، تردیدها، تکرارها و ترمیم‌ها و توجه کامل به گفتار بالفعل و جدی گرفتن همه‌ی جزئیات آن، در خور توجه است [۶]. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی دقیق ابعاد مختلف گفتمانی جهت آشنایی بهتر با این روش تحقیق است که در پی اهداف ذیل است:

- شناخت مفهوم تحلیل گفتمان
- شناخت هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تحلیل گفتمان
- شناخت راه‌های اعتبار و پایایی تحلیل گفتمان
- شناخت نظریه‌های مهم در این رویکرد
- شناخت ابعاد، پیش‌فرض‌ها و کاربردهای مهم تحلیل گفتمان

**زمینه‌های مفهومی تحلیل گفتمان**

تحلیل گفتمان مربوط به رابطه‌ی زبان و زمینه‌ای که زبان در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد به صورت یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است؛ که به طور جدی از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در رشته‌هایی چون، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است [۷]. تحلیل گفتمان ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی (نشانه) شناسی تاویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو دارد. این گرایش به دلیل بین رشته‌ای بودن، خیلی زود به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال قرار گرفت [۸].

سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) از نخستین کسانی بود که در ایجاد نظریه گفتمان نقشی اساسی داشت. وی زبان را نظامی از نشانه‌ها می‌داند که در آن یک گفتمان متشکل از یک سیستم دال‌های بدون اصطلاحات مثبت است که هویت هر عنصر بستگی به تفاوت با دیگران دارد [۹]. استروس نیز که از بنیان‌گذاران اصلی ساختارگرایی شناخته شده است با استناد به نظریه‌های سوسور، تحلیل ساختاری وی را به حوزه علوم

اجتماعی وارد کرد. وی معتقد است " آدمی یعنی زبان و زبان یعنی جامعه". تحلیل ساختاری اسطوره و قوام بخشیدن به دانش روایت‌شناسی از جمله دستاوردهای مهم اوست [۱۰]. آلتوسر نیز در شکل دادن به نظریه‌های گفتمان تأثیر زیادی داشته است. وی معتقد است جامعه و عاملان اجتماعی فاقد هرگونه ذاتی هستند و تکرارپذیری آنها صرفاً متشکل از اشکال نسبی و موقت تثبیت هستند که شکل‌گیری نظامی معین را همراهی می‌کنند و امکان بسط جدیدی برای مفصل‌بندی بر اساس تعیینی چندجانبه را می‌گشاید [۱۱]. آلتوسر همچنین نقش زبان و ایدئولوژی در انقیاد سوژه را مطرح می‌کند. وی مفهوم بازخواهی را نیز جایگزین برداشت سنتی از سوژه کرد [۱۲]. تحلیل گفتمان به عنوان یک رهیافت به طور جدی در فرانسه در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی رواج یافت و به مجموع مطالعاتی اطلاق می‌شد که به وسیله استفاده از ابزار زبانی سعی داشت تولید ایدئولوژی را تبیین کند. در دهه‌ی ۱۹۷۰، دریدا آغاز فراساختارگرایی بود و به گفتمان و تحلیل گفتمان ابعاد نوینی بخشید [۱۳]. رولان بارت در نوشته‌های خود (۱۹۶۴) برای عرضه باز تدوینی نو از منطق معنا می‌کوشد. بارت معتقد است نشانه‌ی نشانه-شناسیک نیز مانند مدل خود از یک دال و یک مدلول تشکیل شده است ولی در سطح جوهرهای خود از آن متمایز می‌شود. وی نیز سوژه را تحت تاثیر ایدئولوژی بورژوازی می‌داند [۱۰]. ژاک لاکان در دهه‌ی ۱۹۸۰، به جای متن، خواننده را مایه‌ی قوام گرفتن معنا تلقی نمود که یک گام به جلو در تحلیل گفتمان ایجاد نمود [۱۳]. لاکان ماهیت دلخواهی نشانه‌ی زبانی سوسوری را پذیرفت اما فرضیه‌ی بنیادی زبان‌شناسی سوسوری را به زیر سوال برد. وی معتقد است دلالت همواره نوعی فرایند است- نوعی زنجیره. معنا ثابت نیست، بلکه لغزش بی‌پایان مدلول زیر دال وجود دارد [۱۴]. سوژه نیز در نظر لاکان ساخت ناقصی است که همواره در میان گفتمان‌های مختلف در پی یافتن خودش است [۱۲]. فوکو از مهمترین اندیشمندان گفتمان انتقادی است که بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی با الهام از اندیشه‌های او در تجزیه و تحلیل گفتمان خود به دانش ارزشمندی از روابط قدرت دست یافتند [۳]. فوکو وراث طرح ایده‌ی گفتمان و قدرت، قواعد شکل‌گیری و یا شیوه‌های اجتماعی تشکیل گفتمان است و الهام بخش یک سنت جدید از تحلیل گفتمان در سیاست و پژوهش‌های سیاست عمومی است [۳]. لاکلا و موفه نیز با نوشتن کتاب مشهور "هژمونی و راهبرد سوسیالیستی" که در سال ۱۹۸۵ نوشتند، تحلیل گفتمان را با رویکردهای نوینی همراه ساختند. اما غنای نگرش به تحلیل متن در آثار و اندیشه‌های فرکلاف وسعت چشمگیری پیدا کرده و طی مقالاتی که او از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۵ به رشته تحریر درآورده اقبال وسیعی در میان اندیشمندان نظریه گفتمان یافته است [۱۳].

در مجموع، تحلیل گفتمان در بریتانیا تا حدود زیادی تحت تاثیر هالیدی رشد کرد که بر کارکرد اجتماعی زبان و ساختار گفتار و نوشتار تاکید داشت. همچنین در بریتانیا ابتدا تحلیل گفتمان در تعاملات، مصاحبه‌ها، مذاکرات و بحث‌ها، تک‌گویی، کتاب داستان مورد اهمیت بود. تحلیل گفتمان آمریکایی نیز تحت سلطه‌ی سنت‌های روش قومی که بر روش مشاهده نزدیک، رویدادهایی مانند داستان‌سرایی، بررسی رسم احوالپرسی و دوئل کلامی در موقعیت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی در کارهای کسانی چون گارفینکل<sup>۲</sup> و جفرسون<sup>۳</sup> اهمیت و رشد پیدا کرد [۷].

## مراحل سیر تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان قبل از این که به طور رسمی ظهور پیدا کند در نحله‌های فکری خاصی رشد و گسترش یافته بود. به طوری که ریشه‌های اصلی این مفهوم را در سنت‌های فکری ذیل جستجو کرد:

۱- **نظریه‌ی کنش کلامی و پراگماتیک:** در این سنت فکری که بنیاد فلسفی تحلیل گفتمان نیز به حساب می‌آید، اهداف انتقادی و اجتماعی در میان نیستند. این سنت را می‌توان به لحاظ سطح تحلیل، خرد؛ توأم با فاصله‌ی زیاد نسبت به تحلیل متن و در زمره‌ی پژوهش‌های فلسفی دانست. نظریه‌ی کنش کلامی که اساساً منسوب به جان سرل فیلسوف آمریکایی است، به نقش زبان در تغییر دادن واقعیت و همچنین کنش‌هایی که به واسطه‌ی زبان صورت می‌گیرند توجه می‌شود.

۲- **تحلیل مکالمه:** این سنت با پیش فرض گرفتن این نکته که کنش‌گران پیش‌فهم‌هایی درباره‌ی نظم اجتماعی دارند، تلاش می‌شود تا چگونگی بازتولید نظم، تحکیم نهادها و تغییر نهادها از طریق فرایند گفت و گو و کنش کلامی بررسی شود. به لحاظ نظری، این سنت در نشان دادن ساخت‌مندی مکالمه بسیار نقش داشته و گام مهمی در زمینه‌ی تحلیل زمینه‌ای و ربط دادن زمینه و کنش برداشته است.

<sup>2</sup> Goffman

<sup>3</sup> Jefferson

**۳- مردم‌نگاری ارتباط:** نوعی واکنش به صورت‌گرایی نوام چامسکی است که در آن بر فرایند ارتباط تأکید می‌شود. دل‌هایمز مبدع و اصلی‌ترین نظریه‌پرداز این سنت است. به عقیده‌ی وی، مردم‌نگاری ارتباط، شامل بررسی این موارد است: ۱- وضعیت رخداد ارتباطی، ۲- مشارکت‌کنندگان در ارتباط، ۳- اهداف رخداد ارتباطی، ۴- توالی کنش‌های کلامی، ۵- کلیدها(منش‌های سخن گفتن)، ۶- ابزارهای ارتباط، ۷- هنجارهای کنش، ۸- ژانرها. این سنت بیشتر در چارچوب اهداف رشته‌ی زبان‌شناسی می‌گنجد، لیکن دست‌آوردهای آن برای بقیه‌ی مطالعات گفتمانی ثمربخش بوده است.

**۴- زبان‌شناسی اجتماعی:** تعاملی پژوهشی است که با نام اروینگ گافمن پیوند خورده است. گافمن تلاش کرد تا نشان دهد عرصه‌ی تعاملات رو در رو نیز دارای ارزش تحلیلی است. زبان و شیوه‌ی استفاده از آن جزء مهمی از تحلیل گافمن است. این رویکرد خرد، دارای فاصله‌ی نسبتاً زیاد از تحلیل متن (به خصایص زبان توجه می‌شود، لیکن گافمن و دنباله‌روان شیوه‌ی وی تحلیل متن را در درجه‌ی اول اولویت پژوهشی قرار نداده‌اند)، و پژوهشی تجربی و غیرفلسفی است.

**۵- تحلیل روایت:** داستان‌ها و روایت‌ها بخش عمده‌ای از متون نوشته شده در تاریخ را تشکیل می‌دهند و البته بخش زیادی از آن‌ها نیز در قالب‌های شفاهی نقل می‌شوند. تحلیل داستان‌ها راهی برای مقایسه‌ی دنیاهای فرهنگی، بازنمایی‌های تاریخی یک فرهنگ و حتی ناخودآگاه قومی، ملی و فرهنگی است. در این سنت پژوهش گفتمانی، پژوهش خرد با گرایش به درک ساختارهای کلان، ارتباط نزدیک با تحلیل متن و پژوهش تجربی در متون (همراه با تحلیل فلسفی، تاریخی و روان‌کاوانه) مدنظر است [۱].

اما از زمان کاربرد رسمی این اصطلاح "تحلیل گفتمان" در محافل فکری و علمی، این مفهوم در قالب سه رویکرد مهم گسترش یافته است:

**۱- تحلیل گفتمان ساختارگرا:** اولین مسیر تحول مطالعاتی گفتمانی در زبان‌شناسی آغاز شد. اصطلاح تحلیل گفتمان برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲ میلادی، توسط زلیگ هریس، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، بکار برده شد و منظور از تحلیل گفتمان تحلیل ساختاری زبان و متن بالاتر از سطح جمله بوده است [۷]. غالب مطالعات زبان‌شناختی تا آن زمان بر جمله و واحدهای کوچکتر از آن معطوف بوده است، اقدام هریس در مورد توجه قرار دادن واحدهای بزرگتر از جمله، مانند پاراگراف، به عنوان کانون تحلیل، گامی مهم به شمار می‌آید. مطالعه‌ی واحدهای کوچکتر از جمله وظیفه‌ی دستور زبان و مطالعه‌ی بزرگتر از جمله، وظیفه‌ی تحلیل گفتمان است [۱۲]. زلیگ هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن برشمرد. در نتیجه در نظر گرفتن گفتمان به منزله‌ی واحدی بزرگتر از جمله مشکلاتی را به همراه دارد [۱۵]. اولین مشکل این است که این نگرش هیچ توجهی به روابط کارکردی با بافتی که گفتمان بخشی از آن است نمی‌کند. مشکل دیگر این است که بسیاری از نگرش‌های ساخت‌گرایانه جمله را واحد سازنده‌ی گفتمان می‌پندارند. در صورتی که گفتارها مملو از جمله‌های ناقص و منقطع است [۱۲].

**۲- تحلیل گفتمان نقش‌گرا یا کارکردی:** در دهه‌ی ۶۰ تا ۷۰، به تدریج زبان‌شناسان نقش‌گرا، تحلیل گفتمان را به مثابه‌ی زبان به هنگام کاربرد تعریف می‌کند و از بافت متن فراتر رفته و به بافت موقعیتی متن توجه نمودند (منظور از بافت، شرایط و محیطی است که زبان مورد مطالعه در آن بکار رفته است). واحد تحلیل در زبان‌شناسی نقش‌گرا متن در بافت است. در نتیجه تحلیل گفتمان ضرورتاً تحلیل زبان به هنگام کاربرد است و به بافت کاربرد زبان توجهی خاص نشان می‌دهند [۱۳]. در این رویکرد، بافتی که پاره‌گفتارهای خاص در بستر آن به وقوع می‌پیوندد، گفتمان را تعریف می‌کند (گفتمان مذهبی، گفتمان تبلیغات، گفتمان سیاسی) [۵].

**۳- تحلیل گفتمان انتقادی:** با توجه به ضعف تحلیل گفتمان نقش‌گرا، فاولر، هاج، کرس و ترو نوع سومی از تحلیل گفتمان را وارد عرصه‌های تحلیل گفتمان می‌کنند که بر نقش قدرت و ایدئولوژی به مثابه‌ی شرایط فرا متنی موثر بر تحلیل گفتمانی تأکید می‌ورزد. این نگرش در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در قالب تحلیل گفتمان انتقادی جریان غالب رویکرد گفتمانی محسوب می‌شود. از این‌رو، می‌توان ون‌دایک، وداک، فرکلاف و فوکو را از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه‌ی زبان‌شناسی برشمرد [۱۶]. کریس معتقد است که گفتمان انتقادی به عنوان یک نظریه‌ی مشخص از زبان که یک نوع کاملاً متفاوت از زبان‌شناسی بود ظهور کرد که دارای معیارهایی از قبیل:

- زبان یک پدیده اجتماعی است.
- نه تنها افراد، بلکه موسسات و گروه‌بندی‌های اجتماعی معانی و ارزش‌هایی دارند که در زبان و در شیوه نظام‌مند بیان شده است.

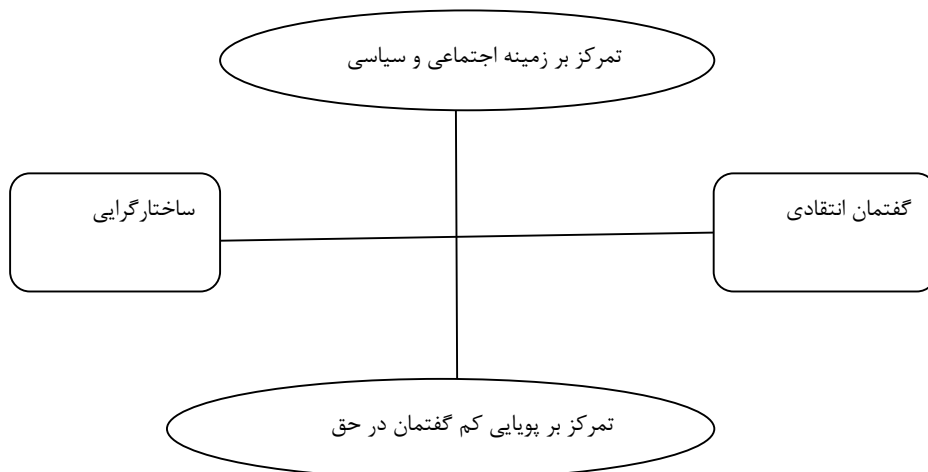
- متن‌ها واحدهای مربوطه زبان در ارتباطات هستند.

- خوانندگان و شنوندگان در این ارتباطات متنی، گیرندگان منفعلی نیستند.

- بین زبان علم و زبان نهادها شباهت وجود دارد [۱۷].

پینکوک معتقد است که تحلیل گفتمان آن‌طور که در زبان‌شناسی کاربردی به کار می‌رود، اگرچه افق گسترده‌ای پیش روی آموزش زبان گشوده است؛ ولی در عین حال، با تمرکز بر رابطه‌ی بین صورت‌های زبانی و بافت با مفهومی بسیار محدود (محیط بلافصل، منظور گوینده، دانش پس زمینه‌ای، یا قواعد گفتاری) در قیاس با نیروهای وسیع‌تر اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی که زندگی‌مان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به برداشتی تنگ نظرانه مبدل شده است. به نظر می‌آید توقف بر گونه‌ای از تحلیل گفتمان که سوژه را کاملاً مختار تصور کرده و کاربرد زبان را عاری از شرایط ایدئولوژیک می‌پندارد کفایت نمی‌کند [۱۸]. دو هدف عمده‌ی تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف: اول، کمک به ((تصحیح این کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت، دوم، کمک به ((افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد؛ زیرا که هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است)) [۱۹]. این نوع تحلیل، نحوه‌ی استفاده غیر مشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات، که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاصی صورت می‌گیرد و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌نماید. این‌که چگونه روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت، از طریق متون نوشتاری و گفتاری ایجاد می‌شوند. تحلیل گفتمان انتقادی به تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌پردازد؛ که نوشتار و گفتار گروه‌ها و نهادهای مسلط، چگونه از قدرت، سوء استفاده کرده و بدان مشروعیت می‌بخشند. بر اساس این ادعا هابرماس معتقد است، زبان نیز یک واسطه‌ای برای حمایت از سلطه و نیروی اجتماعی است که در خدمت مشروعیت بخشیدن به روابط سازمانی قدرت است. این رویکرد، رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان است؛ که هدف آن آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است. سه مفهوم اساسی در این رویکرد؛ مفهوم تاریخ، مفهوم قدرت و مفهوم ایدئولوژی است. در حقیقت این نوع تحلیل، مشکلات اجتماعی را مورد توجه قرار داده و مفاهیمی چون طبقه، جنسیت، فمینیسم، نژاد، هژمونی، منافع، عدالت، نابرابری و ... را بررسی می‌کند [۱۷]. در نتیجه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان شناختی است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقا داده است و به لحاظ محدوده‌ی تحقیق نیز گستره‌ی آن را از سطح بافت موقعیت فرد به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت بخشیده است. در مجموع سبک‌های مختلف و ابعاد تحلیلی در تحقیقات گفتمانی در شکل شماره ۱ مشخص شده است.

شکل شماره ۱: سبک‌های مختلف و ابعاد تحلیلی در تحقیقات گفتمانی



منبع: [۲۰].

با توجه به نظریات و رویکردهای مطرح شده در مجموع شش نوع تحلیل گفتمان در انجام تجزیه و تحلیل گفتمان در علوم اجتماعی وجود دارد. که به طور خلاصه در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: اصول اساسی تحلیل‌های گفتمان

اصول اساسی						
نوع تحلیل گفتمان	نقش آژانس / سوژه	تمایز بین متن و زمینه	پارامترهای زبانی / غیر زبانی	ابژه تحلیل	هستی‌شناسی / نشانه شناختی گفتمان	سطوح تحلیل گفتمان / کلان / خرد
نظریه گفتمان پسا ساختاری	سوژه به عنوان فقدان و موقعیت گفتمانی	تحلیلی و نه هستی-شناسی	گفتمان داخلی زبانی و غیر زبانی	تغییر و ثبات شیوه‌های گفتمانی	گفتمان به عنوان افق هستی‌شناسی	کلان (با تحلیل خرد متون)
تحلیل گفتمان انتقادی	شناختی	متن عینی و زمینه تاریخی و ذهنی است	زبان = متن غیر زبانی = زمینه اجتماعی متن	گفتمان‌های سیاسی	واقع‌گرایی نشانه-شناختی به عنوان یک بعد روابط اجتماعی	خرد (با تحلیل کلان ساختارهای اجتماعی)
تحلیل تفسیری سیاست	بیان معنی موضوع ذهنی	تحلیلی و نه هستی-شناسی	زبان = متن غیر زبانی = زمینه اجتماعی متن	معانی شیوه-های گفتمان-سیاسی	هرمنوتیک	کلان (با تحلیل خرد متون)
تحلیل سیاسی لفظی	موقعیت سوژگی	متون = بحث زمینه = گفتمان	جداسازی متقاطع با تاکید بر ترجم و اخلاق	استدلال متقاعدسازی	گفتمان به عنوان افق هستی‌شناسی	خرد (با تحلیل کلان ایدئولوژی)
روانشناسی گفتمانی	شناختی (حوزه CA) تقسیم ذهنی (ایدئولوژی نقد حوزه‌ها)	تحلیلی و نه هستی-شناسی	تمایز متقاطع	احساسات و ایدئولوژی	ساخت رفتارهای شخصی از طریق تعامل گفتمانی	خرد (CA) کلان (IC)
روش Q	خود تفسیری	متنی	تمایز متقاطع	شناسایی گفتمان به اشتراک گذاشته شده	هستی‌شناسی در پراتنز	خرد

منبع: [۹].

### تعاریف تحلیل گفتمان و گفتمان

تعاریف مختلفی برای گفتمان ارائه شده است، که بسیاری آن را کوتاه و ساده و برخی غامض و پیچیده تعریف کرده‌اند، استوبز، زبان و رای جمله و عبارت را گفتمان می‌داند. فاسولد نیز مطالعه‌ی هر جنبه از کاربرد زبان را مطالعه‌ی گفتمان می‌انگارد [۱]. سارا میلز گفتمان را جزء یا قطعه‌ی گسترش یافته‌ی متن می‌داند که واجد شکلی از سازمان درونی، یکپارچگی یا نظم است [۵]. از نظر فوکو، گفتمان‌ها در حقیقت بخشی از ساختار قدرت درون جامعه یا هسته‌های قدرت‌اند که در آن‌ها قدرت و دانش به هم پیوند می‌خورند و در نهایت بازنمایی‌کننده‌ی خود و دیگری و روابط آن‌هاست [۲۱]. فرهنگ لانگمن زبان‌شناسی کاربردی گفتمان را به دو گونه تعریف کرده است: اول اصطلاحی عام برای نمونه‌های کاربرد زبان، یعنی زبانی که در اثر عمل برقراری ارتباط تولید شده است و دوم، بر خلاف، دستور زبان که با عبارت‌ها بندها و جمله‌ها سرو کار دارد، گفتمان به واحدهای زبانی بزرگتر، همچون، پاراگراف، مکالمه و مصاحبه اشاره دارد [۱۸].

در مورد تحلیل گفتمان نیز تعاریف گوناگونی وجود دارد که در ادامه چند تعریف از صاحب‌نظران این زمینه آورده شده است: مک‌دانل تحلیل گفتمان را مطالعه‌ی آن دسته از کارکردها و تأثیرات زبان‌شناسی، معناشناختی، نشانه‌شناختی یا سبکی و نحوی می‌داند که توصیف و تشریح آن‌ها، مستلزم در نظر گرفتن توالی، ترادف جمله و همین‌طور ساختار جمله است [۲۲]. از نظر یول و براون تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند [۲۳]. در واقع، تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی آشکار می‌شوند [۲۴]. تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در

ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه‌ی متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه‌ی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند [۲۵].

به طور کلی سنت‌های مختلف تحلیل گفتمان تفاسیر متفاوتی از معنای گفتمان به دست آورده‌اند که وجود یک تعریف مستقل را دشوار ساخته است. به طوری که زبان سنتی، گفتمان را به عنوان واحد ارتباطات نوشتاری و گفتاری مورد مطالعه قرار داده و بر محتوای متن و مکالمات تمرکز دارند و سنت‌های دیگر علوم اجتماعی گفتمان را وابسته به اعمال اجتماعی تعریف می‌کنند که شیوه‌های اجتماعی چگونه گفتمان را شکل داده و از آن شکل گرفته تعریف می‌کنند [۳].

در نتیجه‌ی بر شمردن تعاریف گفتمان و تحلیل گفتمان کاری بسیار دشوار است که در فایده‌ی آن نیز جای شبهه است. بی‌فایده‌ی چنین کاری از آن جهت است که تحلیل گران گفتمان بر روی موضوع واحدی کار نمی‌کنند و هر یک بنا به حوزه‌ی فعالیت خود تعریفی از گفتمان و به تبع آن تعریفی از تحلیل گفتمان را می‌پذیرند. از این رو احتمال این که بتوان با جمع کردن تعاریف، تعریف واحد قابل اجماعی ارائه کرد، بسیار اندک است [۱]. به طور کلی برای ارائه تعریفی فراتر از همه‌ی سنت‌ها تحلیل گفتمان می‌توان مدعی شد که گفتمان پدیده‌ای متکثر است که به هنگام به کارگیری زبان در عرصه‌ی اجتماعی بوجود می‌آید. گفتمان پدیده‌ای چند سطحی است که به دنبال کشف وجوه یا پیامدهای اجتماعی کاربست زبان است [۱].

## نظریه پردازان مهم

### لاکلا و موفه

لاکلا و موفه از طریق بازخوانی و ساختار شکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران نظریه گفتمان خود را در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی شکل داده‌اند. آن‌ها به دنبال مقابله و رفع مشکل تقلیل‌گرایی طبقاتی و جبر اقتصادی در تئوری مارکس بودند [۹]. بررسی مهم‌ترین مفاهیم هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و روش‌شناختی دیدگاه لاکلا و موفه: سوژه: لاکلا و موفه معتقدند سوژه همواره تکه تکه است به طوری که گفتمان‌های مختلف موقعیت‌های متفاوتی به آن نسبت می‌دهند. آن‌ها در بحث سوژه، مواضع سوژگی درون ساختار گفتمانی را مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین سوژه‌ها نمی‌تواند خاستگاه روابط اجتماعی باشند. گفتمانی بودن مواضع سوژگی در خصلت باز هر گفتمانی نقش دارد. سوژه به موقعیتی در گفتمان بدل می‌شود و انسان‌ها از سوی گفتمان‌ها فرا خوانده می‌شوند و سوژه‌ها به منزله‌ی موقعیت‌های یک سوژه درون ساختار گفتمانی محسوب می‌شوند. از نظر لاکلا و موفه مقوله‌ی سوژه در مجموع در معرض خصلت چندمعنایی و ناتمام بودن و تعیین چندجانبه است [۱۱].

جامعه: لاکلو و موفه مدعی‌اند هیچ فضای بسته و دوخته شده‌ی خاص جامعه وجود ندارد، چون خود جامعه هیچ ذاتی ندارد. در حقیقت هیچ جامعه‌ای کامل نیست چون هیچگاه حدود مرزهای بسته نیست و لذا این نفوذپذیری مانع از آن می‌شود که جامعه بتواند خودش را همچون واقعیتی عینی تحکیم بخشد [۱۱].

نظریه معنایی: لاکلا و موفه نظریه معنایی خود را از سنت زبان‌شناسی ساخت‌گرای دوسوسور اخذ می‌کنند. از نظر سوسور، نشانه‌ها و کلمات معنای خود را نه به واسطه‌ی ارجاع به جهان خارج، بلکه از طریق رابطه‌ای که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می‌کنند به دست می‌آورند. لاکلا و موفه نیز معتقدند که هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند. همچنین لاکلا و موفه با بهره‌گیری از این نگرش سوسوری ادعا کردند که هیچ چیز بنیانی وجود ندارد که به بقیه‌ی پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد، بلکه هر مجموعه‌ای از اعمال و اشیا و ... وقتی معنا پیدا می‌کند که درون یک گفتمان در کنار یکدیگر به هویتی خاص دست یابند که این هویت را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند [۱۲].

گروه‌بندی و هم‌ارزی: در منطق هم‌ارزی یکسری هویت‌های خاص در کنار هم به صورت خطی مرتب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرد که به نظر می‌رسد تهدید کننده‌ی آن‌ها باشد. در منطق هم‌ارزی تفاوت‌های درون گروهی کم‌رنگ می‌شود و منطق ساده‌سازی شکل می‌گیرد. شرط هم‌ارزی کامل این است فضای گفتمانی باید به نحوی قطعی به دو کمپ مجزا تقسیم شود، چرا که تخاصم حد میانه بر نمی‌تابد [۱۱].

اما به طور کلی مفاهیم اصلی روش‌شناسی نظریه گفتمان لاکلا و موفه را می‌توان به صورت زیر مشخص کرد:

مفصل‌بندی: هر کرداری که میان عناصر مختلف رابطه ایجاد می‌کند که طی آن هویت آن‌ها در نتیجه این کردار مفصل‌بندی می‌شود [۱۱].

برهه: هر یک از مواضع متفاوت را تا اندازه‌ای که درون یک گفتمان به هم متصل شده باشند برهه می‌گویند [۱۱].

وقته‌ها: دال‌ها و عناصری که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند. این معانی و هویت‌ها کاملاً تثبیت شده نیستند و امکان تغییر آن‌ها از طریق مفصل‌بندی‌های تازه وجود دارد [۱۶].

عناصر: هر تفاوتی را که به نحوی گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد را عنصر می‌نامند. نشانه‌هایی که معنای‌شان هنوز تثبیت نشده است یعنی نشانه‌هایی که بالقوه معانی متعددی دارند (برای مثال چند معنایی‌اند) و گفتمان‌های مختلف سعی در معناداری به آن‌ها دارند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند [۱۱].

دال مرکزی یا گره‌گاه: نشانه‌ی برجسته و ممتازی که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند و نقطه‌ی ثقل همه‌ی دال‌ها و انسجام بخش آن‌هاست. نقطه‌ی مرکزی به دال‌ها و وقته‌های دیگر معنا می‌دهد و انسجام معنایی کل گفتمان را حفظ می‌کند که البته تثبیت معنای نشانه‌ها حول دال مرکزی به صورت موقتی صورت می‌گیرد [۲۶].

دال شناور یا سیال: دال شناور نشانه‌ای است که در گفتمان‌های گوناگون بر سر انتصاب معنای آن، رقابت وجود دارد. زیرا، دال شناور به روی انتصاب معنای گوناگون باز بوده و هر گفتمان تلاش می‌کند تا به شیوه‌ای خاص، معنای سازگار با خود برای آن انتخاب کند [۲۶]. انسداد و توقف: وقتی که یک عنصر از حالت شناور خارج و به وقته یا لحظه (موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند) تبدیل می‌شود، انسداد یا توقف که همان تثبیت معنای نشانه‌هاست رخ می‌دهد. این تثبیت تحت اراده‌ی هژمونیک به ثبات موقت گفتمان منجر می‌شود. لازمه‌ی تثبیت، انسداد و توقف، برجسته‌سازی معنای مورد نظر خود و طرد و به حاشیه‌رانی معنای رقیب است. اساساً تثبیت معنای موقت است و همواره امکان تزلزل معنایی تثبیت یافته در درون گفتمان وجود دارد که لاکلا و موفه این امکان را بی‌قراری می‌نامد [۱۶].

گفتمان‌گویی: کلیه‌ی حالت‌های ممکن را که گفتمان طرد می‌کند میدان گفتمان گویند. گفتمان‌گویی مخزنی برای نگهداری مازاد معنای تولید شده به وسیله‌ی یک گفتمان خاص به منظور خلق یک واحد معنایی است. همه‌ی آن چیزهایی که خارج از گفتمان قرار دارند، تمامی آنچه گفتمان طرد کرده است. عدم تثبیت ناشی از همین اضافه معنایی در حوزه‌ی گفتمان‌گویی است که گفتمان‌ها را دچار تهدید و تغییر می‌کند و عدم دوخت نهایی گفتمان را موجب می‌شود [۱۱].

تخاصم: از نظر لاکلا و موفه تخصصم نه تقابل واقعی است (منطبق با اصل ضدیت و نشان دهنده‌ی این‌که هر یک از طرفین مستقل از رابطه‌اش با دیگری ایجابیت خودش را دارد) و نه تناقض است (رابطه‌ی هریک از طرفین با دیگری، واقعیت هر دو را تحلیل می‌کند). در حقیقت در تخصصم حضور دیگری مانع از آن می‌شود که من کاملاً خودم باشم. رابطه‌ی محصول کلیت‌های تمام و کمال نیست و حضور دیگری نیز امر محال منطقی نیست، وجود دارد، بنابراین یک تناقض نیست. تا زمانی که خصومت وجود دارد نمی‌توانیم حضور کاملی برای خودمان داشته باشیم. در نتیجه هویت‌های مختلف درون گفتمان‌ها همواره در کشمکش هستند و مانع از تثبیت شدگی دیگری می‌شوند [۱۱].

هژمونی: از نظر لاکلا و موفه، حوزه‌ی معمول ظهور هژمونی حوزه‌ی کردارهای مفصل‌کننده است، به عبارتی حوزه‌ای که در آن عناصر هنوز در قالب برهه‌ها تبلور نیافته‌اند. در نظام بسته‌ای از هویت‌ها رابطه‌ای که در آن معنای هر برهه مطلقاً تثبیت شده باشد جایی برای رویه‌ی هژمونیک وجود ندارد. مداخله‌ی هژمونیک باعث امحای گفتمان‌های متخاصم و تشکیل گفتمان جدید می‌شود. هژمونی در جایی که گسست و بحران است ظهور پیدا می‌کند، جایی که تخصصات با هم برخورد می‌کنند. اما معتقدند هر تخصصی رویه‌ی هژمونیک را پیش‌فرض خود قرار نمی‌دهد. دو شرط اساسی لاکلا و موفه برای مفصل‌بندی هژمونیک حضور نیروهای متخاصم و ناپایداری مرزها و جنبه‌هایی که آن‌ها را از هم جدا می‌کند. آن‌ها معتقدند موقعیتی که در آن نظامی از تفاوت‌ها با هم پیوند بخورند نشانگر شکل‌گیری هژمونیک است. همچنین تثبیت موقت هویت‌ها مهمترین کار ویژه‌ی هژمونی است. از دیگر کارکردهای هژمونی عادی و طبیعی جلوه دادن قدرت و مطابق حقیقت نشان دادن آن است [۱۱].

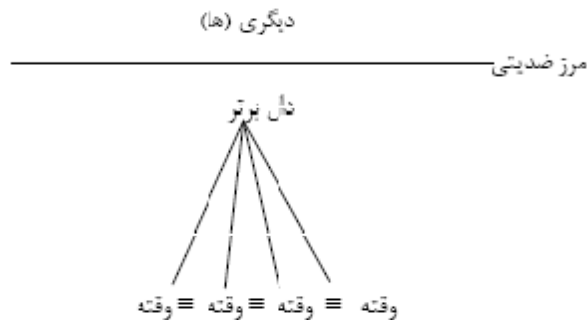
گفتمان: کلیت ساختاردهی شده‌ی حاصل از عمل مفصل‌بندی است. لاکلا و موفه سه دسته توضیح در مورد گفتمان‌ها دارند:

- ۱- یکپارچگی شکل‌بندی گفتمانی حاصل انسجام منطقی عناصرش نیست، بلکه گفتمان مجموعه‌ای از مواضع متفاوت است. اگر مفصل‌بندی هم امکاپذیر است فقط به این خاطر است که هیچ شکل‌بندی گفتمانی کلیتی دوخته و بسته نیست [۱۱].
- ۲- کنار نهادن تمایز میان رویه‌های گفتمانی و غیرگفتمانی. بر دو اصل تاکید دارند: الف: هیچ ابژه‌ای خارج از شرایط گفتمانی ظهور پیدا نمی‌کند. ب: هر گونه تمایز میان جنبه‌های زبانی و رفتاری کردار اجتماعی را نادرست می‌دانند [۱۱].
- ۳- اگر هر عضوی تعریفی از پیش تعیین شده داشته باشد و لذا برهه باشد مفصل‌بندی و شکل‌گیری گفتمان ناممکن است. مفصل‌بندی زمانی حاصل می‌شود که منطق رابطه‌ی گفتمان بدون محدودیتی از سوی هیچ امر بیرونی تا حصول نتایج غایی‌اش پیش برود [۱۱].

### مدل تحلیل لاکلا و موفه

این الگوی تحلیلی با اقتباس از الگوی پیشنهادی لاکلا و موفه برای تحلیل انقلاب روسیه بر اساس نظریه هژمونی خود و توضیح و جرح تعدیلی که توماسن بر روی آن انجام داده ترسیم شده است:

### نمودار ۱. چگونگی ترسیم مرزهای ضدیتی



منبع: [۲۷].

لاکلاو این الگو را برای توضیح این که چگونه یک مفصل‌بندی هژمونیک می‌شود و به گفتمان غالب تبدیل می‌گردد پیشنهاد می‌کند. در این الگو، وقته‌ها یا دال‌های خاص هر یک بر اساس منطق تفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک خواست یا مطالبه را بازنمایی می‌کنند. علامت  $\equiv$  در میان هریک از این وقته‌ها بیان‌کننده‌ی وجود رابطه‌ی هم‌ارزی میان این وقته‌هاست. دالی که در بالای این زنجیره‌ی هم‌ارزی قرار می‌گیرد - دال برتر - دالی است که بنا به محتوای خاصی که دارد می‌توان آن را دال تهی نامید. مرز ضدیتی به مثابه‌ی امری ضروری برای تأسیس یک هژمونی، مرز میان قلمرو گفتمانی یا عناصر شناور و وقته‌های خاصی را که در گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند ترسیم می‌کند. این مرز بر پایه‌ی تولید "دیگری" تأسیس شده و تا زمانی که این دیگری‌ها پابرجا باشند و این مرز بتواند گفتمان را از قلمرو گفتمانی متمایز سازد، هژمونی گفتمان استمرار می‌یابد. اما به محض شکسته شدن این مرز هژمونی نیز از هم متلاشی می‌شود [۲۷].

### وندایک

وندایک تحلیل گفتمان انتقادی را رابطه‌ی پیچیده‌ی بین متن، شناخت اجتماعی، قدرت، جامعه و فرهنگ می‌داند [۲۸]. وندایک یکی از پیش‌فرض‌های اساسی تحلیل گفتمان انتقادی را در ماهیت تسلط و قدرت اجتماعی می‌داند. او همچنین ماهیت مشترک تحلیل‌گران انتقادی را درک و مبارزه با نابرابری و بی‌عدالتی می‌داند. او بین گفتمان و سلطه یک ارتباط اجتماعی شناختی برقرار می‌کند که چگونه گفتمان موجب تولید و بازتولید قدرت می‌شود [۲۸]. او تحلیل گفتمان انتقادی را در درجه‌ی اول مطالعه‌ی سوء استفاده از قدرت اجتماعی، تسلط و نابرابری و تکثیر و مقاومت‌های متن و بحث در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. تحلیل گفتمان انتقادی به منظور این که بهتر تحقق یابد نیاز به یکساز ملزوماتی دارد:

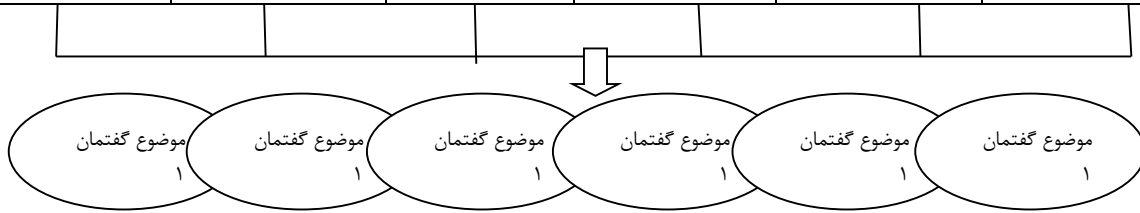
- اغلب در مورد سنت‌های پژوهش حاشیه‌ای بهتر از پژوهش‌های دیگر پذیرفته شده است.
  - بیشتر بر مشکلات اجتماعی و مسایل سیاسی تمرکز دارد و نه بر الگوها و مدهای روز.
  - از لحاظ تجربی، تجزیه و تحلیل انتقادی برای مشکلات اجتماعی و معمولاً چندرشته‌ای مناسب است.
  - نه فقط بر توصیف گفتمان، بلکه بر توضیح آن از نظر خواص تعامل اجتماعی و ساختار اجتماعی تلاش می‌کند.
  - تحلیل گفتمان انتقادی بیشتر بر تکثیر، مشروعیت و یا چالش روابط قدرت و سلطه در جامعه تمرکز دارد [۲۹].
- او با برقراری پیوند میان سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع، مثلثی را شکل می‌دهد که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل گفتمان انتقادی، یعنی رویکرد اجتماعی - شناختی است. وندایک گفتمان را همان زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی می‌داند که با نگرش فوکو و لاکلاو و موفه به گفتمان متفاوت است. وندایک در چارچوب رویکرد اجتماعی شناختی‌اش توجه خاصی به مفهوم ایدئولوژی داشته و سعی می‌کند نظریه‌ای جامع در مورد ایدئولوژی بیان کند [۱۲].

### روث وداک

روث وداک رویکرد گفتمان تاریخی را مطرح کرده است. این رویکرد بر آن است تا به طور نظام‌مند همه اطلاعات پس زمینه‌ای در دسترس را برای تحلیل و تعبیر لایه‌های گوناگون یک متن گفتاری یا نوشتاری به هم گره بزند. وداک تحلیل گفتمان خود را در رابطه‌ی بین زمینه‌ی عمل، ژانرها و مباحث گفتمان با نمونه‌ای از منطق عمل سیاسی در جدول زیر نشان می‌دهد.

جدول ۲، ابعاد انتخاب شده گفتمان به عنوان عمل اجتماعی

میدان کنترل				میدان عمل	
مدیریت و اجرای سیاسی	مدیریت و اجرای سیاسی	تبلیغات سیاسی و تبلیغات بازار یابی	توسعه حزب داخلی از یک عقیده اطلاع داده شده	تشکیل افکار عمومی و معرفی خود	روند وضع قانون سیاسی
ژانرها					
-تصمیم- گیری(تایید/رد) -سخنرانی‌های مراسم تحلیف -مقالات ائتلاف، سخنرانی وزرا و سران - پاسخ‌های دولت به پی کیو	-تصمیم- گیری(تایید/رد) -سخنرانی‌های مراسم تحلیف -مقالات ائتلاف، سخنرانی وزرا و سران - پاسخ‌های دولت به پی کیو	- انتخاب برنامه - شعار و سخنرانی در مبارزات انتخاباتی - اطلاعیه‌ها - پوسترها - بروشور انتخابات - نامه‌های پستی - آگهی‌ها و غیره	- حزب اعلامیه برنامه‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها - سخنرانی در حزب - و غیره	- انتشار در مطبوعات -کنفرانس مطبوعاتی - مصاحبه - بحث سخنرانی و مشارکت در همایش - مقالات، کتاب - سخنرانی یادبود - افتتاح سخنرانی - و غیره	- قوانین - لوایح - اصلاحات -سخنرانی‌ها و مشارکت از نمایندگان مجلس - مقررات - پیشنهادات - نسخه دستورالعمل و غیره



منبع: [۱۷].

وداک مهمترین ویژگی‌های رویکرد گفتمان تاریخی را در موارد ذیل مطرح می‌کند:

- رویکردی میان‌رشته‌ای است.
- پژوهش‌های میان رشته‌ای در سطوح مختلفی قرار گرفته است: در تئوری، در کار خود، در تیم و در عمل.
- رویکرد مسئله محور است، بر آیتم‌های خاص زبانی تمرکز ندارد.
- نظریه و همچنین روشی التقاطی و هر جا گزیننده است که روش و نظریه‌ها به صورت مجتمع هستند که در درک و توضیح ابژه‌ی مورد بررسی مفید است.
- مطالعه همیشه شامل کار میدانی و مردم‌نگاری برای کشف ابژه‌ی تحت بررسی به عنوان یک پیش‌شرط برای هر تجزیه و تحلیل بیشتر و نظریه‌پردازی.
- روشی استدلالی و به سوی محور است: یک حرکت ثابت بین تئوری و داده‌های تجربی لازم است.
- روند مهم در اتصال ژانرها و همچنین موضوعات و استدلال‌ها مطرح است.
- بافت تاریخی همیشه تجزیه و تحلیل و ادغام در تفسیر گفتمان‌ها و متون است.
- نظریه‌های بزرگ به عنوان یک پایه و اساس خدمت می‌کنند. در تجزیه و تحلیل خاص، نظریه‌های حد متوسط در خدمت اهداف تحلیلی بهتر هستند.
- هدف، عمل است. نتایج باید در دسترسی کارشناسان در زمینه‌های مختلف با هدف اعمال تغییر برخی از شیوه‌های گفتمانی و اجتماعی قرار گیرد [۱۷].

به طور خلاصه برداشت وداک از مفهوم گفتمان همسو با برداشت‌های رایج از این مفاهیم در تحلیل گفتمان انتقادی است. ولی در عین حال، وی در رویکرد گفتمانی تاریخی‌اش با بکارگیری همه‌ی اطلاعات قابل دسترسی برای تحلیل و همچنین با به کارگیری روش هرمنوتیک برای تعبیر، از رویکردهای دیگر متمایز می‌شود.

### فرکلاف

فرکلاف از چهره‌های فعال و مهم تحلیل انتقادی گفتمان محسوب می‌شود. وی در کتاب مشهور خود زبان و قدرت، هدف پژوهش‌های خود را کمک به افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد؛ زیرا که هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است. تحقیق زمانی به درد می‌خورد که بتواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. در نگاه او تحلیل گفتمان روشی است برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی بکار گرفته شده و منبعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف عملی خود را کمک به بالا بردن آگاهی عمومی از روابط اجتماعی استثمارگرایانه از طریق تمرکز بر زبان می‌داند [۱۹]. به‌زعم وی، رویکردهای توصیفی و غیرانتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی کنش‌های گفتمانی یا تأثیرات اجتماعی آنها توجه ندارند، بلکه تنها به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد کنش‌های گفتمانی بسنده می‌کنند، درحالی‌که تحلیل گفتمان انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است [۲۳].

### روش‌شناسی فرکلاف

فرکلاف یک روش گام به گام را برای آماده‌سازی در تحلیل نشان می‌دهد:

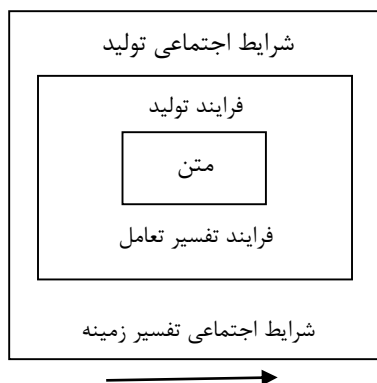
- تمرکز بر مشکل خاص اجتماعی که جنبه نشانه‌شناختی دارد. رفتن خارج از متن و شرح مشکل و شناسایی جنبه‌ی نشانه‌شناختی

آن

- شناسایی سبک غالب، انواع گفتمان سازنده‌ی این جنبه نشانه‌شناختی
- در نظر گرفتن طیف وسیعی از تفاوت و تنوع در سبک‌ها
- شناسایی مقاومت در برابر استعمار فرایندهای اجرا توسط سبک غالب، ژانرها و گفتمان.
- او در مرحله دوم بر تجزیه و تحلیل تعاملی مانند ویژگی زبانی تمرکز دارد:
- عاملان
- زمان
- تنش
- روش
- نحو [۱۷].

الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، نشأت گرفته از تعامل میان قدرت و زبان است. وی گفتمان را شامل متن و معرفت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن می‌داند و بر این باور است که این معارف اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی مرتبط می‌شوند: شرایط اجتماعی یا محیط بلافصل اجتماعی، که گفتمان در آن حادث شده است؛ سطح نهاد اجتماعی که گفتمان را در یک گستره‌ای وسیع دربر می‌گیرد؛ و سطح جامعه، به‌منزله‌ی یک کل فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: گفتمان به مثابه‌ی متن، گفتمان به مثابه‌ی اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و در نهایت گفتمان به‌مثابه‌ی زمینه‌ی متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی. شکل شماره ۱ [۳۰].

شکل شماره ۱: گفتمان به عنوان متن، تعامل و زمینه



منبع: [۳۰]

### الف : توصیف

توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی سروکار دارد. تحلیل‌گر در ارتباط با واژگان و دستور باید به پرسش‌های مربوط به ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی متن و در بخش ساخت‌های متنی، به سؤالات مربوط به استفاده از قراردادهای تعاملی و ارتباط متن با ساخت‌های گسترده‌تر پاسخ گوید. ارزش تجربی، سرنخی از روشی را به دست می‌دهد که در آن تجربه‌ی تولیدکننده‌ی متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. ارزش تجربی با محتوا، دانش و اعتقادات سرو کار دارد. ویژگی‌های صوری ارزش رابطه‌ای، سررشته‌ای از آن دسته روابط اجتماعی است که از طریق متن در گفتمان به مورد اجرا درمی‌آید و با روابط اجتماعی سرو کار دارد. فرکلاف تأکید می‌کند که هریک از ویژگی‌های صوری ممکن است به‌طور همزمان واجد دو یا سه ارزش باشند [۲۳]. فرکلاف، میان این ارزش‌ها و سه جنبه‌ی عمل اجتماعی که ممکن است محدود شوند (مضامین، روابط و فاعلان) و تأثیرات ساختی آن‌ها (اعتقادات، مناسبات اجتماعی و هویت اجتماعی) پیوند می‌زند و آن را به‌طور انتزاعی در قالب جدول زیر نشان می‌دهد:

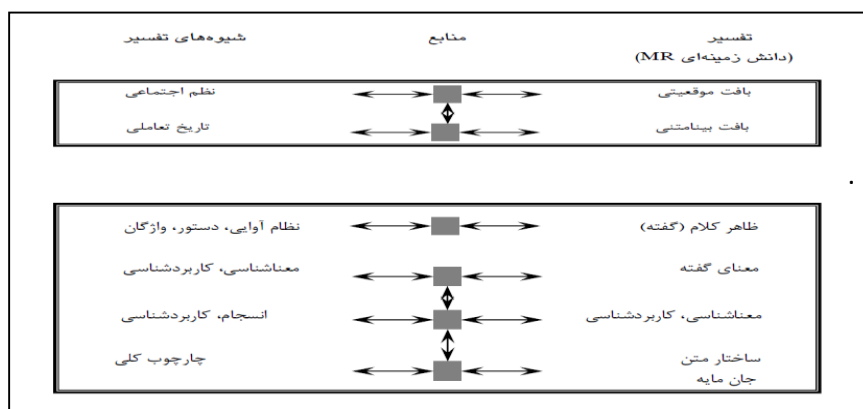
جدول شماره ۳: ویژگی‌های صوری: ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی

ابعاد معنایی	ارزش‌های ویژگی‌ها	آثار ساختی
محتواها	تجربی	دانش/اعتقادات
روابط	رابطه‌ای	روابط اجتماعی
فاعل‌ها	بیانی	هویت‌های اجتماعی

### ب : تفسیر

تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر مفسر، ویژگی ظاهری متن در حقیقت به منزله‌ی سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود [۲۳]. فرکلاف در شکل زیر نشان می‌دهد که مفسران چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر، نوع گفتمان مربوط را مشخص می‌کند.

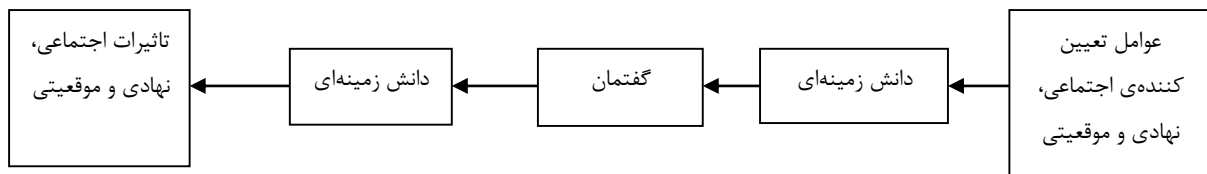
شکل ۲ : قلمروهای تفسیر و ارتباط میان آن‌ها



### ج: تبیین

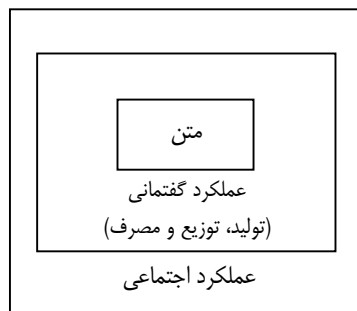
تبیین، مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد: اینکه چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. در این سطح، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. هدف از تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، با توصیف گفتمان به‌عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. در مقابل، گفتمان‌ها در بازتولید یا تغییر آن ساختارها چه تأثیری دارند؟ دانش‌زمینه‌ای، واسطه‌ای تعیین اجتماعی و این تأثیرات است؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش‌زمینه‌ای شکل می‌دهند و دانش‌زمینه‌ای به نوبه‌ی خود، شکل‌دهنده‌ی گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها هم با حفظ یا تغییر این دانش‌زمینه‌ای تأثیراتی بر ساختارها می‌گذارند. منظور فرکلاف از ساختارهای اجتماعی مناسبات قدرت است و هدف از فرایندها و اعمال اجتماعی، فرایندها و اعمال مربوط به مبارزه‌ی اجتماعی است. بنابراین، تبیین عبارت است از: دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه‌ی اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است [۲۳]. می‌توان از مرحله‌ی تفسیر به تبیین با توجه به این نکته گذر نمود که با بهره‌گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش‌زمینه‌ای به عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش‌یاد شده بازتولید خواهد شد. این بازتولید برای مشارکین گفتمان پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخودآگاه است؛ این امر در واقع به نوعی در مورد تولید و تفسیر نیز صدق می‌کند. بازتولید مراحل گوناگون تفسیر و تبیین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، زیرا در حالی که تفسیر چگونگی بهره‌جستن از دانش‌زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده‌ی اجتماعی و تغییرات دانش‌زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد (شکل شماره ۳).

شکل ۳: مدل تبیین از نظر فرکلاف



فرکلاف همچنین در روش‌شناسی تحقیقش یک مفهوم سه بعدی از گفتمان مطرح و بر آن‌ها متمرکز می‌شود. این مدل چهارچوبی تحلیلی است برای تحقیق تجربی درباره‌ی ارتباطات و جامعه. هر تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی باید هر سه‌ی این بعدها را پوشش دهد (شکل شماره ۴).

شکل شماره ۴: مفهوم سه بعدی از گفتمان



منبع: [۱۹]

۱- متن: فرکلاف تحلیل متن را در (واژگان، دستور زبان، انسجام و ساختار زبانی) مورد توجه قرار می‌دهد. واژگان عمدتاً با کلمات فردی، دستور زبان با ترکیب‌بندها و جملات، انسجام با بندها و جملات با هم مرتبط است. ساختار زبانی نیز ویژگی‌های سازمانی متن‌ها در مقیاس بزرگ است. تحلیل متن در واقع تحلیل ساختارهای زبانی و ویژگی‌های صوری متن است. تحلیل متن شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است. تحلیل زبانی هم ویژگی‌های واژگانی و دستوری و هم ویژگی‌های معنایی را دربر می‌گیرد. در واقع هدف نهایی تحلیل متن توصیف ساختارهای زبانی است تا نشان داده شود که چگونه این ساختارها تحت تأثیر ایدئولوژیک ساخت‌های کلان اجتماعی هستند و بدان طریق به بازتولید آن‌ها می‌پردازد [۱۹].

۲- عملکرد گفتمانی مرز میان متن و کردار اجتماعی است و با استفاده آن مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می‌گیرند و بدان طریق متن به کردار اجتماعی شکل می‌دهد و همچنین از آن شکل می‌گیرد [۱۹].

۳- عملکرد اجتماعی: فرکلاف در این بخش یک چارچوب غنی‌سازی برای بررسی تحلیل گفتمان به عنوان شکلی از عمل اجتماعی در نظر می‌گیرد. به طور خاص گفتمان را در این بخش در رابطه با ایدئولوژی و قدرت مکان گفتمان در درون روابط قدرت به عنوان یک مبارزه‌ی هژمونیک در نظر می‌گیرد [۱۹]. یکی دیگر از مهم‌ترین جنبه‌های روش تحلیلی فرکلاف تاکید بر دو وجه تحلیلی بینامتنی و تحلیل بیناگفتمانی است.

### تحلیل بینامتنی

میان متنیت به نفوذ تاریخ بر یک متن و نفوذ متن بر تاریخ اشاره دارد که طی آن متن از متون پیش از خود برداشت می‌کند و به این ترتیب به تغییر و تحول گسترده‌ی تاریخی کمک می‌کند [۱۹]. بینامتنی به وضعیتی اشاره دارد که در آن تمامی رخدادها ارتباطی به رخدادها پیشین متکی‌اند. نمی‌توان از آن به کارگیری کلمات و عباراتی که دیگران پیش از این استفاده کرده‌اند خودداری کرد [۱۹].

### تحلیل بیناگفتمانی

بیناگفتمانی هنگامی واقع می‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلفی در یک رخداد ارتباطی واحد با یکدیگر مفصل‌بندی شوند. هرچند تحلیل بیناگفتمانی ارتباط نزدیکی با تحلیل بینامتنی دارد، در این جا به جای درهم آمیزی متن‌ها، با درهم آمیزی گفتمان‌ها روبه رو هستیم. با مراجعه به آرای فرکلاف، دو کاربرد گفتمان در اندیشه‌های وی قابل شناسایی است. نخست، گفتمان در معنای انتزاعی که دربرگیرنده‌ی عناصر معناشناختی (در عام‌ترین شکل آن) زندگی اجتماعی است و دوم، گفتمان به عنوان اسم قابل شمارش که به مسیرهای خاصی اشاره دارد که زندگی اجتماعی به واسطه‌ی آن‌ها بازنمایی می‌شود [۲۷].

### هستی‌شناسی گفتمان

به لحاظ هستی‌شناسی، گفتمان‌ها به این مطلب اشاره دارند که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارد و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شود. در این بازنمایی زبان حقیقت را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد. بنابراین جهان اجتماعی محصول گفتمان‌هاست و حتی کنش انسان را نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌کند [۱۶]. در دیگه گفتمانی هیچ هویتی به طور کامل قوام یافته وجود ندارد و هویت‌ها هرگز کاملاً تثبیت نمی‌شوند، هویت در حوزه تعین چندجانبه شکل می‌گیرد. بنابراین تثبیت یا عدم تثبیت مطلق امکان‌پذیر نیست. از هایدگر تا ویگنشتاین نیز بر عدم امکان تثبیت معانی غایی اصرار دارند. عینیت‌گرایی، ذهنیت‌گرایی، کل‌گرایی و فردگرایی جلوه‌های متقارن میلی برای تمام بودن‌اند که دائم به تاخیر می‌افتد. بر این اساس هیچ جامعه‌ای کامل نیست چون هیچ‌گاه حدود مرزهایش بسته نیست [۱۱]. برخی اندیشمندان تحلیل گفتمان بر این باورند که هیچ حقیقت بنیادی نیز برای کشف شدن وجود ندارد زیرا حقیقت اساساً برساخته‌ی گفتمان است [۱۲].

### روش‌شناسی تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان در مخالفت با جریان روانشناسی اجتماعی آزمایشی و پوزیتیویست بسط و گسترش یافت. تحلیل گفتمان از لحاظ روش در زمره‌ی تحلیل‌های کیفی قرار می‌گیرد. تحلیل گفتمان به عنوان یکی از روش‌های تحقیق از شیوه و روش مستقل و مورد اجماع و توافق میان صاحب‌نظران برخوردار نیست. از این رو محققان در شیوه‌ی بکارگیری این روش با دست بازتری عمل می‌کنند. از بعد روش‌شناختی در تحلیل گفتمان بسان دیگر روش‌های تحقیق، مسیر پژوهش از سطح نظری آغاز می‌گردد. پس از فرموله کردن مسئله‌ی تحقیق و تبیین نظری آن در مرحله‌ی تجربه، به جای پرسش از فرد، از متن پرسیده می‌شود. در این روش واحد مشاهده متن است نه فرد یا چیز دیگر. این رویکرد از ابزارها و مفاهیم زبان‌شناسی صورتگرا و نقش‌گرا برای تبیین ایدئولوژی‌های پنهان و منابع قدرت در پشت متون زبانی بهره می‌گیرد [۳۱]. اما یکی از مسایل خاص این روش مشکل بهره‌برداری از مفاهیم نظری است. مشکل اصلی این جاست که چگونه روش‌های مختلف تحلیل گفتمان قادر به انتقال این ادعاهای نظری خود به ابزارها و روش‌های تجزیه و تحلیل است [۱۷]. روش تحلیل گفتمان از جمله روش‌های عمده‌ی مشاهده اسنادی است که می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی آن مورد تحلیل و ارزیابی دقیق و منظم قرار داد. در این روش پژوهشگر به بازشناسی و واکاوی دستاوردهای اندیشه‌ای انسان‌ها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک نوشتاری و شفاهی است، می‌پردازد. به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش در مورد آن، به ارتباطی که آنان به وجود آورده‌اند و پیام‌هایی که پدید آورده

و مبادله می‌کنند، توجه کرده و آن را مورد تحلیل قرار می‌دهند. تحلیل گفتمان نوعاً از جمله روش‌های غیر واکنشی و غیرمداخله‌ای است. چون اسناد مورد مشاهده و متون مورد تحلیل قبلاً ثبت و ضبط شده‌اند و صاحبان اسناد و پدیدآورندگان آثار در کار تحلیل و واکنش؛ و تحلیل‌گران و در چگونگی خلق، تدوین و بسط اسناد و مدارک دخالتی ندارند [۳۱].

## مراحل کلی اجرای تحلیل گفتمان

در اینجا از تحلیل گفتمان به مثابه‌ی یک تکنیک مانند سایر تکنیک‌های تحلیل در علوم اجتماعی یاد می‌کنیم.

۱- طرح مساله: در هر پژوهشی از جمله روش تحلیل گفتمان، ابتدا می‌باید مسئله تحقیق تبیین شود. در شناسایی مسئله پژوهش، پژوهشگر حوزه‌ی تحلیل گفتمان می‌باید شواهدی دال بر وجود مسئله عرضه کند.

۲- تبیین موضوع تحقیق: موضوع تحقیق می‌باید به وضوح هر چه بایسته و شایسته‌تر روشن شود.

۳- فرضیه‌سازی: در این مرحله با استناد به نظریه‌ای، فرضیه یا فرضیاتی چند به مثابه‌ی پاسخ موقت به پرسشی که در موضوع پژوهش مستتر است، آماده می‌شود. تحلیل گفتمان نیز همانند هر روش دیگر پژوهشی، ابزاری است جهت محک تجربه فرضیه‌های تحقیق.

۴- تعریف مفاهیم: در این مرحله مفاهیم نظری نیز به صورت مفاهیم عملیاتی قابل سنجش و واکاوی می‌باشند [۳۱].

۵- ارایه‌ی چارچوب نظری: نخستین شرط ضروری برای تحلیل گفتمان تعیین چارچوب نظری است. این امر نیز بعد از یک مطالعه‌ی مقدماتی یا زمینه‌ای برای محقق حاصل می‌شود [۳۲]. با مشخص شدن چارچوب تئوریک و اتخاذ روشی مناسب محقق متغیرهای خود را که بر اساس چارچوب تئوریک ساخته بود، به شاخص‌ها و ابعاد کوچکتر تقسیم می‌کند و با توجه به این شاخص‌ها محقق به دنبال جمع‌آوری مطالب (جملات، گزاره‌ها و یا پاراگراف‌ها و ... بر حسب تئوری خود) می‌رود [۳۲].

۶- نمونه‌گیری: شیوه‌ی نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان نیز همچون سایر روش‌های تحقیق است و ممکن است در سطوح و ابعاد مختلف کلمات، عبارات، پاراگراف‌ها، فصول، کتاب‌ها و مانند آن صورت گیرد و به تناسب از فنون نمونه‌گیری تصادفی یا غیر تصادفی نیز استفاده شود. اما شیوه معمول نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان معمولاً نمونه‌گیری نظری است که نمونه از بین داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده نمونه انتخاب می‌شود [۱۷]. نکته‌ی شایان توجه این است که در این نوع از نمونه‌گیری‌های مربوط به متون مورد تحلیل قضاوت و سوگیری توسط پژوهشگر به وجود می‌آید به ویژه در میان متون و دست‌نوشته‌های پرآکنده افرادی که از بعد روحی در تلاطمات شدید قرار دارند. به عنوان مثال در تحلیل گفتمان مربوط به فردی که دچار افسردگی است و در عین حال در مقاطع زمانی مختلف شدت و ضعف‌هایی در بیماری خود را تجربه کرده است به احتمال زیاد با تکرر محتوایی در میان دست‌نوشته‌های او مواجه خواهیم بود. در نتیجه نمونه‌گیری منطقی مستلزم ۱- توصیف دقیق ابعاد مختلف مقوله‌ی مورد سنجش و مطالعه و کشف روابط مقوله مربوطه با سایر مقولات ۲- توصیف نظم گفتمان در مقوله مورد نظر و توصیف صورتبندی‌های خاص فکری و معرفتی و ربط مبتنی بر ارتباطات محتوایی در میان آن مقولات ۳- با عنایت به پیوندهای میان دو بند فوق، توصیف هر کدام از این صورتبندی‌ها بر اساس مبانی فکری و فرهنگی [۳۱].

۷- تعیین واحد تحلیل: واحد تحلیل در تحلیل گفتمان فراتر از کلمه است، بر حسب موضوع مورد بررسی و بر حسب متغیرها و شاخص‌های تحقیق، واحد تحلیل می‌تواند یک جمله، عبارت، بند، پاراگراف، صفحه، سرمقاله، مقاله، سخنرانی، و ... باشد [۳۲].

۸- طبقه‌بندی مطالب جمع‌آوری شده: با توجه به چارچوب نظری و متغیرها و شاخص‌های تحقیق به سراغ منابع می‌رویم و مطالب را مطابق فرضیه‌های تحقیق در مقولات یا طبقات متفاوت دسته‌بندی می‌کنیم. طبقه‌بندی مطالب و یادداشت‌ها در تحلیل گفتمان نیز مانند دیگر تکنیک‌های تحقیق بایستی دقیقاً مبتنی بر شاخص‌ها و متغیرهای فرضیات و اهداف تحقیق باشد. افزون بر این خود طبقات نیز بایستی روشن، دقیق، کامل و متمایز از یکدیگر انجام شود [۳۲].

۹- کدگذاری و پردازش داده‌ها: محقق می‌تواند داده‌ها را کدگذاری نموده به صورت کمی درآورد و با استفاده از روش‌های رایج رایانه‌ای آن‌ها را پردازش نماید. نهایتاً محقق با مراجعه به اصول و قواعد تحلیل گفتمان، به تحلیل مطالب می‌پردازد. این تحلیل می‌تواند ناظر بر چند سطح، یعنی سطح توصیفی که صرفاً به تحلیل متن می‌پردازد، سطح توصیفی که صرفاً به تحلیل متن می‌پردازد، سطح تفسیری که به تحلیل فرآیندها می‌پردازد و سطح تبیینی که در واقع تحلیل اجتماعی است، باشد [۳۲]. یاگر در تجزیه و تحلیل گفتمانی بر زمینه، سطح و معنی لفظی و نمونه‌هایی از ابزار زبانی، انواع واژگان و استدلال تاکید می‌کند که هم جنبه کمی و هم جنبه کیفی دارد.

تجزیه و تحلیل یاگر به ویژگی‌های زیر توجه می‌کند:

- نوع و شکل استدلال
- استراتژی خاص استدلال
- منطق و ترکیب متون ذاتی

- مفاهیمی که به نحوی ضمنی هستند
- اصطلاحات، روایت‌ها، واژگان و سبک
- کنشگران (اشخاص و ساختار ضمیری)
- منابع، به عنوان مثال علوم (بازدیدکنندگان) منابع خاص دانش و غیره [۱۷]
- تئون ون دایک معتقد است که تجزیه و تحلیل باید بر نشانگرهای زبانی زیر متمرکز باشد:
- استرس و زیر بمی صدا
- ترتیب کلمات
- سبک واژگانی
- انسجام
- حرکت محلی معنایی مانند تکذیب نامه‌ها
- انتخاب موضوع
- اعمال گفتاری
- سازمان شماتیک
- ساختار نحوی
- ساختار گزاره
- اصلاحات
- تردید
- تئون ون دایک همچنین شش مرحله تجزیه و تحلیل در گفتمان را مد نظر دارد:
- تجزیه و تحلیل سازه‌ی کلان معنایی: موضوعات و گزاره‌ی کلان
- تجزیه و تحلیل معانی محلی، که در آن بسیاری از اشکال ضمنی یا معانی غیر مستقیم، بخصوص مانند مفاهیم، پیش فرض، اشارات، ابهام، حذفیات و قطبش جالب است
- تجزیه و تحلیل ساختارهای رسمی ظریف و نامحسوس
- تجزیه و تحلیل فرم یا فرم‌های گفتمان جهانی و محلی
- تجزیه و تحلیلی از تحقق زبانی خاص (شکسته نفسی و اجتناب از انتقاد)
- تجزیه و تحلیل متن [۱۷].

#### ده گام تجزیه و تحلیل گفتمان از نظر هجر<sup>۴</sup>

هجر ده گام تجزیه و تحلیل گفتمان را مد نظر قرار دارد که می‌پندارد می‌تواند به طور جهانی اعمال شود. او در این ده گام به استعاره، خطوط داستان و ائتلاف گفتمان توجه دارد. او معتقد است در روشش برای تجزیه و تحلیل گفتمان به استفاده از تکنیک تحقیقاتی مشترک، از جمله میز پژوهش، مصاحبه و مشاهده‌ی شرکت‌کنندگان به عنوان مواد مناسب با ملاحظیات اخلاقی نیاز است (جدول شماره ۴). [۳].

جدول شماره ۴: ده گام تجزیه و تحلیل گفتمان از نظر هجر

۱- میز تحقیقات- گاه‌شماری اول و خواندن اولین با وقایع
۲- مصاحبه هلیکوپتر- برای به دست آوردن یک نمای کلی از دیدگاه‌های مختلف
۳- تحلیل اسناد- شناسایی خطوط و استعاره داستان
۴- مصاحبه با بازیگران اصلی- برای فعال کردن محقق برای ساخت گفتمان مصاحبه شونده و تغییرات در به رسمیت شناختن دیدگاه‌های جایگزین
۵- سایت‌های منطقی- جستجوی داده‌ها در حساب خود جهت مبادله منطقی
۶- تحلیل اثرات موقعیت- تا نشان دهد مردم، نهادها و یا دولت‌های گرفتار شده چگونه در فعل و انفعالات بلند شده‌اند.
۷- شناسایی حوادث کلیدی- برای درک پویایی گفتمان و نتایج آن

۸- تجزیه و تحلیل کردارها در موارد خاص استدلال- با رفتن به داده‌ها تا ببیند که آیا معنی آن چه گفته شده است را می‌توان به شیوه‌هایی که در آن گفته شده مربوط می‌شود.
۹- تفسیر- حساب سازه، شیوه و محل تولید گفتمان
۱۰- دیدار دوم بازیگران کلیدی- پاسخ‌دهندگان باید برخی از ساختارهای پنهان زبان را تشخیص دهند.

منبع: [۳].

### نقش و موقعیت تحلیل‌گر

تحلیل‌گر گفتمان نیز سوژه‌ای است همانند سوژه‌های دیگر که گرفتار ساختارهای گفتمانی است و به هیچ وجه از جایگاه ممتازی برخوردار نیست. او نمی‌تواند از موضعی خارج از گفتمان به ساختار شکنی گفتمان بپردازد. اگر چه سعی می‌کند از گفتمان‌ها فاصله بگیرد و آن‌ها را همانطور که هستند بنمایاند و به حقیقت دست یابد، ولی امیدی نیست چرا که در چارچوب این نظریه، حقیقت خود برساخته‌ی گفتمان‌هاست [۱۲]. قصد تحلیل‌گر از تحقیق این نیست که به ورای گفتمان برود تا دریابد منظور واقعی مردم از گفتن فلان و بهمان چه بوده است، یا واقعیتی را که در ورای گفتمان وجود دارد کشف کند. نکته اساسی این است که هرگز نمی‌توان خارج از گفتمان به حقیقت دست یافت و در نتیجه این خود گفتمان است که موضوع تحلیل قرار می‌گیرد. تحلیل‌گر مجبور است با آنچه در عمل گفته یا نوشته شده سروکار داشته باشد و الگوهای موجود در یک گزاره یا گزاره‌های مختلف را بررسی و پیامدهای اجتماعی بازنمایی‌های گفتمانی مختلف از واقعیت را مشخص کند [۴].

### روایی و پایایی پژوهش‌های گفتمانی

یکی از چالش‌های جدی پیش روی پژوهشگران گفتمانی، همچون سایر رویکردهای کیفی، ایجاد توافق در باب ملاک‌هایی است که برای قضاوت در خصوص کیفیت بخش‌هایی از پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به طور کلی مجموعه‌ای رایج و مشخص از ملاک‌هایی روایی و پایایی وجود دارد که همواره توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که در روش تحلیل گفتمان شرایط متفاوتی را می‌توان مشاهده نمود. دستاوردهای مطالعات مبتنی بر تحلیل گفتمان با تکیه بر اندیشه و توانایی پژوهشگر در قبال پدیده‌ی مورد پژوهش و ارزیابی و نیز مبتنی بر علایق شخصی او جمع‌آوری می‌شود. از این رو، این‌که یافته‌های حاصل از این روش به میزان قابل توجهی ناشی از قضاوت‌ها و اندیشه‌های شخصی پژوهشگر است اجتناب ناپذیر است [۳۱]. در روش تحلیل گفتمان، در زمینه‌ی مفهوم روایی با دو مشکل جدی مواجه است: نخست اینکه چنانچه به دلیل اهداف علمی، فرض شود که یک واقعیت خارجی عینی وجود دارد، علایم و نشانه‌هایی که برای تبیین و تعریف این واقعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، واژگان هستند، نه اعداد و ارقام. از این رو، هر نوع بازنمایی زبانی از رخدادها و تجارب، متکی بر نوع زبان است که امکان دارد دارای ابهام باشد. مشکل دیگر اینکه، برای پژوهشگرانی که در عرصه تحلیل گفتمان فعالیت می‌کنند، این پیش‌فرض که واقعیت بیرونی یگانه، قابل شناسایی و ثابتی وجود دارد، امری بی‌معناست، بلکه این گروه از محققان بر این باورند که واقعیت در ذهن افراد ایجاد می‌شود کاملاً نسبی است و ثبات و قطعیت بایسته و شایسته‌ای ندارد. بنابراین، تجارب واقعیات به یک روش واحد ساخته نمی‌شود [۳۱].

با این تفاسیر روشن است که ارزیابی میزان دقت و روایی نتایج حاصل از تحقیقات گفتمان امری دشوار و حتی غیر ممکن است. در این راستا برخی روش‌های مرسوم در افزایش اعتبار و پایایی تحلیل گفتمان عبارت‌اند از:

۱- **پژوهش چند دیدگاهی:** یورگنسن و فیلیپس استفاده از پژوهش چند دیدگاهی را در تحلیل گفتمان سودمند می‌دانند. هر رویکرد معرف دیدگاهی متمایز است که برداشتی خاص از پدیده‌ی مورد مطالعه به همراه می‌آورد. در صورت تلفیق رویکردهای مختلف، پژوهش قادر خواهد بود پدیده‌ی مورد مطالعه را از زوایای مختلفی روشن کند [۴].

۲- **دسترسی:** ون دایک "دسترسی" را به عنوان یک معیار مهم در نظر می‌گیرد: یافته‌ها حداقل باید قابل دسترسی باشند و برای گروه‌های اجتماعی تحت بررسی قابل خواندن باشد [۱۷].

۳- **مثلث بندی:** وداک و اسکالن روش مثلث‌بندی را برای اعتبار و اطمینان مناسب می‌دانند که برای داده‌های کمی و کیفی قابل استفاده است و یک طرح روشمند بر اساس دیدگاه‌های چندگانه و بر اساس داده‌های تجربی به عنوان اطلاعات پس زمینه است. وداک بر چهار سطح نظری که بر مفهوم از متن تاکید دارد توجه می‌کند:

- زبان بلاواسطه یا متن داخلی و همکاری متن
- رابطه‌ی گفتمانی بینامتنی و بین گفتار، متون، ژانرها و گفتمان
- اضافی‌زبانی (اجتماعی) که وضعیت زمینه نامیده می‌شود و توسط نظریه‌ی برد متوسط مطرح شده است.
- بسترهای اجتماعی - سیاسی و تاریخی وسیع‌تر [۱۷].

**۴- انسجام:** پاتر و وترو<sup>۵</sup> انسجام را عامل مهمی در افزایش اعتبار تحقیق می‌دانند. آن‌ها از مدعاهای تحلیل گفتمان انتظار دارند گفتمان منسجمی را تشکیل دهند. وجود بخش‌هایی از تحلیل که با بخش‌های دیگر تحلیل گفتمان هماهنگ نباشد احتمال پذیرش تحلیل از سوی خوانندگان را کاهش می‌دهد. معیار انسجام حاوی این پیام است که حقایق متضاد باید به همان صورت باقی بمانند [۴].

**۵- سودمندی:** راه دیگر تعیین اعتبار تحلیل گفتمان از نظر پاتر و وترو سودمندی آن تحلیل است. به هنگام ارزیابی سودمندی یک تحلیل بیش‌تر به توان تبیینی آن چارچوب تحلیلی از جمله توان ارایه‌ی تبیین‌های جدید توجه می‌کند. معیار سودمندی بر اهمیت تولید دانش جدید و بر تاثیرهایی که تولید دانش از خود به جای می‌گذارد تاکید دارد [۴].

همچنین یورگنسن و فیلیپس سه اصل اساسی که در تحقیق گفتمانی جهت افزایش اعتبار باید از آن پیروی شود را عبارت از:

- ۱- تحلیل باید محکم و استخوان‌دار باشد. تفسیر باید مبتنی بر مشخصه‌های مختلف متن باشد و نه صرفاً یک مشخصه‌ی واحد.
- ۲- تحلیل باید جامع باشد. سوالی که در برابر متن مطرح شده باید پاسخ تمام و کمالی بگیرد و هر مشخصه‌ای از متن که با تحلیل ارایه شده از سوی محقق تعارض داشته باشد باید توضیح داده شود.
- ۳- تحلیل باید به شکلی شفاف ارایه شود و تا آنجا که ممکن است به خواننده اجازه دهد تا ادعاهای مطرح شده را آزمون کند [۴].

البته ابزارهایی چون تاییدپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان که در سایر روش‌های تحقیق کیفی کاربرد دارد در این نوع تحقیقات نیز استفاده می‌شود.

### استراتژی‌های تحلیلی گفتمان

یورگنسن و فیلیپس چهار استراتژی را معرفی می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در تمامی رویکردهای گفتمانی به کار گرفت تا شناختی کلی از داده‌ها به دست آورد:

- ۱- **مقایسه:** ساده‌ترین راه برای آشنایی با ماهیت یک متن مقایسه‌ی آن با سایر متن‌هاست. این استراتژی بر این اساس است که یک جمله همواره معنای خود را از تفاوت با جمله‌های دیگری که گفته شده‌اند یا می‌توانستند گفته شوند، به دست می‌آورد. مقایسه استراتژی مناسبی برای تسهیل فرایند فاصله گرفتن تحلیل‌گر از داده‌هایش است.
- ۲- **تعویض:** تعویض نوعی مقایسه است که در آن تحلیل‌گر خود متنی جدید برای مقایسه خلق می‌کند. در تعویض یک کلمه به جای کلمه‌ای دیگر گذاشته می‌شود و به این ترتیب دو نسخه‌ی متفاوت از یک متن در اختیار خواهیم داشت و می‌توان آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد. زمانی که محقق از استراتژی تعویض استفاده می‌کند در جهت خلاف مسیر نویسنده متن حرکت می‌کند. محقق با افزودن برخی از کلمات انتخاب نشده در می‌یابد که کلمات افزوده شده چگونه معنای متن را تغییر می‌دهند.
- ۳- **بزرگنمایی جزئیات:** منظور از بزرگنمایی جزئیات این است که نکته یا جنبه‌ای از متن را بزرگتر از آنچه هست نشان دهیم.
- ۴- **چندصدایی بودن:** به تصویر کشیدن و شرح صداها یا منطق‌های گفتمانی مختلف موجود در متن است. این استراتژی مبتنی بر فرض تحلیل گفتمان در خصوص میان‌متنیت است. این فرض که هر گفته‌ای به نحوی گریزناپذیر متکی، حاوی و یا در تعارض با گفته‌های پیشین است. هدف این استراتژی این است که از چند صدایی بودن برای طرح پرسش‌های جدید از متن استفاده کنیم [۴]. به طور کلی تکنیک‌های ایجاد اعتبار در تحقیقات کیفی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵، تکنیک‌های ایجاد اعتبار

انواع اعتبار	آزمون‌های متناظر در مطالعه موردی	تکنیک‌های کیفی
اعتبار سازه‌ای	قابلیت تایید (متناظر با عینیت و بی‌طرفی در پوزیتویسم)	آزمون قابلیت تایید از طریق بررسی داده‌ها، یافته‌ها و پیشنهادها
اعتبار درونی	قابلیت اعتبار	تثلیث (داده‌ها، بررسی کننده و روش‌ها) کسب اطلاعات دقیق کنترل‌های اعضا مفروضات، جهان‌بینی و جهت‌گیری‌های تئوریک محقق
اعتبار بیرونی	قابلیت اطمینان	توصیف غنی داده‌ها تحلیل‌های میان‌موردی استفاده از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری و تحلیل

پیش فرض‌ها (انگاره) و مفروضات تحلیل گفتمان

پیش فرض‌ها و مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، روانکاوی مدرن و دیدگاه فوکو شکل گرفته، عبارت‌است از:

۱. متن یا گفتار واحد توسط انسان‌های مختلف، متفاوت نگریسته می‌شود.
۲. خواندن ( برداشت و تفسیر از متن ) همیشه نادرست خواندن ( برداشت نادرست از متن ) است.
۳. متن را باید به عنوان یک کل معنادار نگریست و این معنا لزوماً در خود متن نیست.
۴. هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، متن‌ها بار ایدئولوژیک دارند.
۵. حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.
۶. نحو متن نیز معنادار است، چون که نحو دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است و این معانی در جای خود به عواملی که دال‌ها را می‌سازند - نظیر: رمزها، بافت‌ها، مشارکت‌ها و تاریخ مختلف - وابسته‌اند.
۷. معنا همان قدر که از متن ناشی می‌شود، از بافت یا زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی نیز تاثیر می‌پذیرد.
۸. هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می‌شود. از این رو رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد.
۹. هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار ( نه لزوماً سیاسی ) مرتبط است.
- ۱۰- گفتمان سطوح و ابعاد متعددی دارد. یک سطح گفتمانی وجود ندارد [۳۳].

مهمترین اهداف تحلیل گفتمان

- ۱- نشان دادن رابطه‌ی بین نویسنده، متن و خواننده در یک قالب علمی
- ۲- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده‌ی تولید متن؛ یعنی، جریان تولید گفتمان
- ۳- نشان دادن تاثیر بافت متن (واحد‌های زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر روی گفتمان
- ۴- نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده‌ی گفتمان (شرایط تولید گفتمان).
- ۵- نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی، معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ وقت به طور کامل درک نمی‌شود.
- ۶- آشکار ساختن رابطه‌ی بین متن و ایدئولوژی؛ تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن، گفتار یا نوشتاری بی‌طرف نیست؛ بلکه به موقعیتی خاص وابسته است.
- ۷- هدف عمده‌ی تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه‌ی متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... به دست دهد [۳۴].

## کاربردهای تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان توان بررسی چه موضوعات و پدیده‌ها یا ابعادی از آنها را دارد؟ برای بررسی چه موضوعات و پدیده‌هایی مناسب یا مناسب‌تر از سایر روش‌هاست؟ به‌طور کلی، موضوعات مورد علاقه‌ی این روش برای بررسی، چه موضوعاتی هستند؟ از آنجا که تحلیل گفتمان ریشه در معناکاوی دارد و قصد آن کشف معنای نهفته در پدیده‌های اجتماعی است، می‌توان گفت که برای بررسی هر آنچه واجد معنا است، مناسب است. این بدین معنا نیست که تحلیل گفتمان همه‌ی ابعاد این پدیده‌های معنادار را بررسی می‌کند بلکه منظور آن است که جنبه‌ی فرهنگی - اندیشه‌ای یا معنایی آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. با نگاهی به متون تحلیل‌گران تحلیل گفتمان می‌بینیم که آن‌ها موضوعات متعددی را به عنوان موضوع مطالعه‌ی تحلیل گفتمان معرفی نموده‌اند. مثلاً، ون‌دایک، معتقد است، تحلیل‌گران گفتمان سعی در فهم و نقد عمیق‌تر نابرابری اجتماعی، از جمله نابرابری‌های دارای مبنای جنسیتی، قومی، طبقاتی، اصل و نسبی، مذهبی، زبانی، گرایش‌های جنسی و ... را دارند [۳۵].

دیوید هوارث و یانیس استاوراکاکیس، مسائل کلیدی برای بررسی توسط تحلیل گفتمان را از این قرار می‌دانند: بررسی ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه و پوپولیستی، ساخت‌سیاسی، هویت‌های اجتماعی، انواع درگیری‌های هژمونیک، منطق کنش جمعی، شکل‌گیری و اجرای سیاست عمومی، ایجاد و از بین بردن نهادهای سیاسی، نظم نوین جهانی، رشد سریع قوم‌گرایی رادیکال، ظهور جنبش‌های جدید اجتماعی، اسطوره‌های سیاسی، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، و شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها [۳۶]. مارتینز و گونزالز نیز معتقدند که تحلیل گفتمان در انواع مختلف متون گفتگویی، روزنامه‌نگاری، آموزشی، مذهبی، سیاسی و غیره کاربرد دارد [۳۷].

### جمع بندی و نتیجه گیری

تحلیل گفتمان که امروزه به گرایش بین رشته‌ای در علوم اجتماعی تبدیل شده و ریشه در نشانه‌شناسی، تاویل‌گرایی، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی دارد رویکرد جدیدی است که در دهه‌های اخیر علی‌رغم این‌که دارای خاستگاه غیرجامعه‌شناسی بوده مورد اقبال گسترده‌ی محققین این رشته واقع شده است. این اقبال ناشی از بازگشت به ایده و اهمیت یافتن فرهنگ، رونق جامعه‌شناسی معرفت، چرخش‌زبانی و اقبال به جامعه‌شناسی و ضعف‌ها و نقصان‌های رویکردهای موجود از یک طرف، و قابلیت‌ها و توانایی‌های تحلیل گفتمان از سوی دیگر است. از گفتمان تعاریف زیادی ارائه شده است که مجموعاً این تعاریف را می‌توان به دو دسته‌ی متن محور و نظریه محور تقسیم کرد. تحلیل گفتمان همچنین دارای ریشه‌ها و رویکردهای مختلف است. هر رویکرد تحلیل گفتمان یک بسته‌ی کامل است که دارای دو بعد روشی و نظری است. علی‌رغم این‌که تحلیل گفتمان دارای رویکردهای متفاوت است این رویکردها واجد پیش‌فرض‌های معرفتی مشترکی می‌باشند.

فرایند تحلیل گفتمان که در فارسی معادل‌های دیگری نظیر سخن‌سنجی، سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز دارد، از نظر معنایی با سیر تکاملی همراه بوده است. این اصطلاح ترکیبی را اولین بار "زلیک هریس" به معنای تحلیل صوری، شکلی و ساختاری جملات و کل متن مورد بررسی، به کار بست. در واقع "هریس" تحلیل گفتمان را نگاهی صرفاً صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن در نظر گرفت. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در مقابل تحلیل متن به کار بردند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان، شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) است؛ ولی تحلیل متن تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزارش‌ها) را شامل می‌شود. مراد این زبان‌شناسان از تحلیل گفتمان، تحلیل زبان محاوره‌ای و متون نوشتاری است. زبان‌شناسان بعدی، واحدهای بزرگتر از جمله را در مطالعه زبان مورد بررسی قرار داده و قائل شدند که در تحلیل، نباید فقط به کلمات و جملات متن توجه کرد؛ بلکه واحدهای بزرگتری مانند پاراگراف را هم باید مد نظر قرار داد. رویکرد دسته‌ی سوم را می‌توان رویکردی کل‌نگرانه دانست.

پس از دیدگاه‌های سنتی نسبت به تحلیل گفتمان، زبان‌شناسان بعدی از صرف پرداختن به خود متن در تحلیل‌ها، فاصله گرفتند و علاوه بر مطالعه (جزءنگر و کل‌نگرانه) متن، به مطالعه بافت موقعیتی آن نیز در تحلیل‌ها معتقد شدند. این‌گونه رویکرد، که اعتقاد زبان‌شناسان کنونی نیز می‌باشد، تحلیل گفتمان را شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است، دانسته و به جای توجه صرف به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، فراتر از زمینه‌ی متن، عوامل بیرون از متن، یعنی زمینه‌ی موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی را در تحلیل متن، مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر این گروه، تحلیل گفتمان، نوعی مطالعه محصولات ارتباطی است، که چگونگی شکل‌گیری معنا را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (خود متن) و برون‌زبانی (زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی)، مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابر رویکرد جدید، تحلیل گفتمان، مطالعه‌ی شرایط اجتماعی و فرهنگی، که متن تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود را نیز در کنار مطالعه خود متن، بررسی می‌کند و هدف آن، این است که نشان دهد، زمینه (بافت)‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات چگونه بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن اثر می‌گذارند و نیز تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مزبور چگونه است. بر اساس این رویکرد غیر سنتی، دیگر، نویسندگان، خالق انحصاری معنای آن متن نبوده و بیش از آن‌که وی در خلق معنا مؤثر باشد، خواننده‌ی متن به وجود آورنده آن است. این امر، بدان معناست که ممکن است در شرایط مختلف، برداشت‌های مختلفی از یک متن به دست آید و قرائت‌های مربوط به یک متن در هر عصری، به لحاظ تفاوت خوانندگان، متفاوت گردد. البته این امر، در صورتی است که بخواهیم با روش تحلیل گفتمان به معناشناسی متون بپردازیم. در این روش، شاهد تعدد تحلیل‌ها به اندازه تعداد تحلیل‌گران خواهیم بود.

دومین رویکرد (تحلیل گفتمان انتقادی) نیز ما را یاری می‌دهد تا نسبت به این‌که چگونه کاربرد زبان همیشه با مسائل قدرت مرتبط است، چگونه دانش پس زمینه‌ای هرگز تنها راه بی‌ضرر دانش نیست، نسبت به این‌که چگونه شرایط وسیع‌تر واقعیات اجتماعی همواره در متن حضور دارند، آگاهی حاصل کنیم. تحلیل انتقادی گفتمان، مسلماً بر سنت انتقادی نو مارکسیستی بنا شده است که کانون توجه خود را به نابرابری‌های اجتماعی معطوف می‌دارد و ایدئولوژی‌ها را شیوه‌های بنیادینی می‌پندارد که به واسطه‌ی آن‌ها، این نابرابری‌ها استمرار می‌یابند. اما امروزه رویکرد مهم دیگری نیز مطرح است که مربوط به حوزه‌ی روانشناسی گفتمانی است. آن‌ها اکثراً معتقدند رخدادهای و ساختارهای اجتماعی برای به وجود آمدن نیازمند شرایطی اند که بیرون از قلمرو گفتمان قرار دارد. بر اساس دیدگاه آن‌ها زبان صرفاً بیانگر تجربیات نیست، بلکه در عین حال تجربیات و واقعیت روانی و ذهنی را می‌سازد.

با توجه به اقبال به تحلیل گفتمان و قابلیت‌ها و مزایای آن برای بررسی پدیده‌های فرهنگی - اندیشه‌ای گمان می‌رود که در آینده ما شاهد کاربرد وسیع این رویکرد توسط محققین رشته‌ی جامعه‌شناسی برای مطالعه‌ی این پدیده‌ها باشیم.

## منابع و مراجع

- [۱] فاضلی، محمد(۱۳۸۳)"گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۰۶ - ۸۱
- [۲] آقا گل زاده، فردوس؛ ارجمندی، معصومه؛ گلفام، ارسلان، زعفرانلو کامبوزیا، عالیه کرد (۱۳۸۹) "کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده "خواهران" اثر جیمز جویس"، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، سال اول، شماره ۳، ۱-۲۴
- [3] Hewitt, S.(2009), *Discourse Analysis and Public Policy Research*, Centre for Rural Economy Discussion Paper Series No. 24. 1-16
- [۴] یورگنسن، ماریال؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۲) نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- [۵] تاجیک، محمدرضا؛ روزخوش، محمد (۱۳۸۷)"بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، ۱۲۷ - ۶۰
- [۶] چاوشیان، حسن(۱۳۸۷)"زبان شناسی و تحلیل گفتمان"، مجله ادب پژوهی، شماره ۴، ۱۱۷-۱۴۰
- [7] McCarthy, M. (1991) *Discourse Analysis for Language Teachers*, Cambridge, University Press, 4 – 33۱۲
- [۸] فرقانی، محمدمهدی(۱۳۸۲) راه دراز گذار، تهران، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه، چاپ اول
- [9] Glynos, J., Howarth, D., Norval, A., Speed, E. (2009) *Discourse Analysis: Varieties and Methods*, ESRS National Centre for Research Methods, 1 – 41
- [۱۰] بارت، رولان(۱۳۹۲) اسطوره امروز. ترجمه شیرین دخت دقیقیان. تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- [۱۱] لکلانو، ارنستو، موفه، شانتال(۱۳۹۲) هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ترجمه محمد رضایی. تهران: نشر ثالث. چاپ اول.
- [۱۲] سلطانی، علی اصغر(۱۳۹۲) قدرت و گفتمان و زبان، تهران: نشر نی، چاپ چهارم
- [۱۳] رجبلو، قنبرعلی(۱۳۸۵)"نقش، جایگاه، کارکرد و شیوه های بررسی فرمان مشروطیت با توجه به شاخص های تحلیل گفتمان"، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال پانزدهم، شماره ۵۵، ۸۵، ۷۱ - ۴۵
- [۱۴] هومر، شون(۱۳۹۲) ژاک لاکان. مترجمان، محمد علی جعفری و محمد ابراهیم طاهائی. تهران: انتشارات ققنوس. چاپ سوم.
- [۱۵] سلیمی، اصغر (۱۳۸۳) گفتمان در اندیشه فوکو. مجله کیهان فرهنگی. شماره ۲۱۹، ۵۵ - ۵۰
- [۱۶] مقدمی، محمدتقی(۱۳۹۰)"نظریه ی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن" معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، ۱۲۴ - ۹۱
- [17]Wodak, R., Meyer, M. (2014) *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications. London · Thousand Oaks · New Delhi
- [۱۸] پنیوک، الستر (۱۳۷۸)"گفتمان های قیاس ناپذیر"، ترجمه علی اصغر سلطانی، مجله علوم سیاسی، سال اول، شماره چهارم، ۱۱۸-۱۵۷
- [19]fairclough, N. (1992). *Discourse and social change*, PolityPress, 65 Bridge Slreet Cambridge. CB2 1UR, UK
- [20]Nikander, P.( 2006) *Constructionist and Discourse*. To be published in: *Handbook of Constructionist Researches*. Guilford Publications. FIN-33014 University of Tampere, Finland
- [۲۱] فرقانی، محمدمهدی، زردار، زرین(۱۳۹۱) تحلیل گفتمان پیام های نوروزی اوباما، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۲، ۱۱۲ - ۸۳
- [۲۲] مک دانل، دایان(۱۳۸۰) مقدمه ای بر نظریه های گفتمان. ترجمه حسینعلی نودری، تهران: نشر فرهنگ

- [۲۳] فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه فاطمه شایسته پیران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- [۲۴] بشیر، حسن (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان دریچه‌ای بری کشف ناگفته‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق
- [۲۵] لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۷۲) "درآمدی به سخن کاوی"، مجله زبان شناسی، سال چهارم، ۱-۲۵
- [۲۶] کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۱) "تحلیل گفتمان سه برنامه‌ی توسعه با رویکردی به مسایل زنان و خانواده، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳، ۷۴-۴۱
- [۲۷] جهانگیری، جهانگیر، فتاحی، سجاد (۱۳۹۰) "تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات دوره دهم"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، ۴۷-۲۳
- [28] van Dijk, T. (1993) Principles of critical discourse analysis", SAGE (London. Newbury Park and New Delhi), vol. 4(2): 249-283
- [29] van Dijk, T. (2001) Critical Discourse Analysis", Chapter 18." Blackwell Publishers INS. Ltd. First Published.
- [30] Fairclough, N. (1989). Language and Power. London: Longman.
- [۳۱] عقیلی، وحید؛ لطفی حقیقت، امیر (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری"، دانشنامه، شماره ۷۸، ۱۶۹-۱۹۴
- [۳۲] تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸) گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: نشر فرهنگ
- [۳۳] حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵) روش شناسی علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه مفید، قم
- [۳۴] شیرازی رومنان، حسن (۱۳۸۷) "چیستی و چگونگی تحقیقات کیفی روش تحلیل گفتمان"، نگرش راهبردی، شماره ۹۳ و ۹۴، ۹۴-۷۱
- [۳۵] ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه تژا میرفخرایی تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها،
- [36] Howarth, D., Stavrakakis, Y. (2000). "Introducing Discourse Theory and Political Analysis ", in Norval, Aletta J. and Stavrakakis, Yannis (ed). Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change). Manchester University Press. First Published. Manchester and New York, pp: 1-25.
- [37] Martinez, D. F., Gonzalez, V. C. T. (2012) Obama and Bush: their victory and non-victory speeches", OnOmazein 25. (2012/1): 205-217